

مغلطه‌ها رو بشناسیم (۲)

اگه یادتون باشه هفته پیش تصمیم گرفتیم تا مدتی در باره مغلطه‌ها با هم حرف بزنیم. این هفته می‌خوام با مغلطه «این که بدیهیه» آشناتون کنم. بعضی‌ها برای قانع کردن دیگران، میگن «خب این که بدیهیه». خب اگه بدیهیه، نیازی به گفتن نداره. یعنی مثلاً لازم نیست بگه «بدیهیه که حرف من درسته» چون اگه درست بودن حرفش واضح باشه، نیازی به گفتنش نیست و اگه فکر می‌کنه باید گفته بشه پس بدیهی نیست. این ادعا که «بدیهیه» درواقع به این معنیه که فرد برای اثبات استدلال و مدعاش شواهدی نداره و دلش نمی‌خواد کسی این موضوع رو بفهمه. پس چی کار می‌کنه؟ شنونده‌اش یعنی تورو توی موقعیتی قرار میده تا نقص استدلالش رو، نقص در ک توجلو به. یعنی «حرف من که خیلی واضحه. اگه نمی‌فهمیش مشکل توست، نه من». حتما داستان لباس پادشاه «هانس کریستین آندرسن» رو شنیدین. خیاطی برای تنبیه کردن پادشاهی زورگو، اون رو با لباسی نامرئی قریب میداد. درواقع هیچ لباسی برای شاه نمی‌دوزه و بهش میگه این لباس از پارچه‌ای جادویی درست شده که فقط عاقل‌ها می‌تونن ببیننش. پادشاه هم که دلش نمی‌خواد نادون به‌نظر برسه، چشمش رو روی بی‌لباسیش می‌بنده و حسابی ابروش میره. خیاط این قصه از مغلطه بدیهی جلوه دادن ماجرا و درواقع از ترس آدم‌ها برای نادون به‌نظر رسیدن، استفاده کرد.



نوجوانان عزیز!

سلام، حانتون چطوره؟ از فردا دهه فجر شروع می‌شه و حال‌وهوای مدرسه‌ها این روزها دیدنییه. خوش صداهای و دست‌به‌سازها مشغول جدیدن برای تزئین کلاس؛ خوش صداهای و دست‌به‌سازها مشغول آخرین تمرین‌های گروه سرودن؛ عشق بازیگری‌ها، دیگه الان دیالوگ‌هاشون رو حفظ کردن و آماده هستن که تئاترشون رو اجرا کنن. خلاصه هرکسی سرگرم کاریه و دلش می‌خواد گروهش، کلاسش یا مدرسه‌اش از بقیه بهتر باشه. این رقابت هیجان‌انگیز، برای «جوانه» هم جالبه؛ پس ما رو بی‌خبر نذارین. عکس و گزارش کارهاتون از دهه فجر رو برامون بفرستین.

شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۳۳۴۰۰۰



فاطمه ۱۵ ساله میگه: «حال خوب یعنی خنده دیگران. من تلاش می‌کنم دیگران رو شاد کنم و لبخند به لبشون بیارم و این حال خودم رو هم خوب می‌کنه».

پیشنهادهایی برای نجات زمین



معمولاً هر زمان صحبت از حفظ محیط زیست و جلوگیری از آلودگی آن می‌شود، بیشتر توجهات سمت بزرگ‌ترها و مسئولان می‌رود. فکر می‌کنیم فقط آن‌ها هستند که باید رعایت کنند در حالی که حفظ محیط زیست وظیفه همه است و به گروه خاصی محدود نمی‌شود. به همین دلیل امروز ابتدا چند راه کاربردی برای تولید کمتر زباله پیشنهاد و چگونگی تفکیک کردن زباله‌ها را با هم مرور می‌کنیم. البته این را هم بگوییم که مطمئن هستیم دیگر موضوع نریختن زباله نوی خانه، خیابان و محیط زیست نیاز به یادآوری نداره و همه قبولش دارند و حتماً به آن عمل می‌کنند. یکی از انواع زباله‌ها که بازگشت‌شان به طبیعت بیش از چند صدسال زمان می‌برد، پلاستیک‌ها و بطری‌های پلاستیکی هستند. بنابراین تا حد ممکن از مصرف بطری‌های پلاستیکی خودداری کنید. مثلاً اگر به اردو، گردش و سفر می‌روید یا در مدرسه می‌خواهید آب همراه‌تان باشد به جای استفاده از بطری‌های پلاستیکی یک بار مصرف، می‌توانید از قمقمه‌های زیبا و همیشگی استفاده کنید. قمقمه‌هایی که بعد از مصرف می‌توانید آن‌ها را بشویید و بارها استفاده کنید. سعی کنید کمتر از تنقلات خریدنی استفاده کنید. برای میان‌وعده از منزل خوراکی همراه‌تان ببرید و آن را در ظرف‌های دایمی و تمیز بگذارید تا مجبور نباشید هر روز ظرف‌های یک بار مصرف و نایلون پلاستیکی را دور بریزید. اگر لازم شد خوراکی بخردید، حتماً کیسه پارچه‌ای همراه داشته باشید و از فروشنده کیسه پلاستیکی نخواهید. همچنین حواس‌تان باشد اگر برای جمع خرید می‌کنید مثلاً به جای خرید چند بسته کوچک چیپس (چیپس بخوریم اصلاً؟)، یکی دو بسته بزرگ بخرید تا پلاستیک کمتری استفاده شود. در مهمانی و رستوران هم، بی‌خیال نی‌شوید و نوشیدنی‌تان را نونی لیوان بریزید؛ همین نی‌های باریک و ظریف، دشمنان بزرگ طبیعت هستند. استیکرها و برچسب‌های یادآوری، چیزهایی هستند که توی کیف و جامدادی هر دانش‌آموزی پیدا می‌شوند. این کاغذهای رنگی کوچک، به دلیل داشتن لایه پلاستیکی، قابل بازیافت نیستند؛ پیشنهاد ما این است که به جای استفاده از استیکرهای آماده، خودتان با کاغذ و مقادری چسب، برچسب درست کنید. اگر می‌خواهید به کسی هدیه بدهید، از کادو پیچ‌های پارچه‌ای که اتفاقاً خیلی هم متنوع‌تر و باحال‌ترند، به جای کاغذ کادو استفاده کنید. این‌طوری دوست‌تان هم می‌تواند برای هدیه‌دادن به دیگری، از آن استفاده کند و به این ترتیب کادوی پارچه‌ای چندین دست می‌چرخد و زباله کمتری تولید می‌شود. نکته مهم این که با همه این ملاحظات و دقت کردن‌ها باز هم به‌ناچار زباله تولید می‌کنیم؛ یعنی بعد از این کارها مسئولیت ما در برابر محیط‌زیست تمام نمی‌شود. پس همان زمان که می‌خواهید زباله‌ها را دور بریزید، خشک و تر را از هم جدا کنید چون بعدها جدا کردن‌شان دشوار می‌شود. زباله‌های خشک و تر را هم که می‌شناسید؟ ترها شامل پسماند مواد غذایی و میوه‌هاست که بعدها می‌تواند تبدیل به کود شود؛ خشک‌ها هم شامل بطری‌ها، قوطی‌های فلزی، پلاستیک‌ها و کاغذها می‌شود که بیشترشان قابل بازیافت و تبدیل شدن به محصولات جدید هستند به شرط این که تفکیک شوند و در جریان مخلوط شدن با زباله‌های تر از بین نروند. به امید روزی که همه ما با خودمان و محیط اطراف‌مان مهربان‌تر باشیم.

* تصویرسازی بالا روی تابلوی معروف «موج عظیم» اثر «کاناگاوا» انجام شده است تا خطر تولید و مصرف بیش از حد پلاستیک را به ما یادآوری کند.

گپی با ابراهیم حسن بیگی، نویسنده ادبیات نوجوان به مناسبت دهه فجر

واژه‌هایی برای انقلاب

این هفته طبق روال «جوانه»، با یکی از دوستان مان گفت‌وگو کرده‌ایم با این تفاوت که او هم سن و سال ما نیست. شروع دهه فجر، مناسبتی است که باعث شده تغییر کوچکی در رسم همیشگی گفت‌وگوی مان ایجاد کنیم و به جای مصاحبه با یک نوجوان،

آقای حسن بیگی! چرا درباره انقلاب می‌نویسید؟

بچه‌ها باید بدانند در گذشته کشورشان چه اتفاقاتی رخ داده است. خب البته در مدرسه کتاب تاریخ می‌خوانند و چیزهایی دستگیرشان می‌شود ولی ۴۰ سال پیش، گذشته خیلی طولانی و دوری نیست و شاید نشود درباره انقلاب سال ۵۷، مطالب خوبی در کتاب‌های تاریخ پیدا کرد. نویسندگان داستان‌های کودک و نوجوان، اتفاقات عجیب و غریب آن سال‌ها را توی قصه‌هایشان می‌نویسند تا نسل جدید بدانند مردم چطور توانستند یک حکومت بسیار قوی و سرسخت را با ارتشی که به آن «ژاندارم منطقه» یعنی نگهبان خاورمیانه می‌گفتند، شکست بدهند. من فکر می‌کنم بچه‌ها حق دارند بدانند پدران‌شان دنبال چه چیزهایی بودند و برای به‌دست آوردنش چه کارهایی کرده‌اند.

ممکن است مخاطب‌های ما کتاب‌های شما را نخوانده باشند، لطفاً کمی درباره محتوای آثارتان توضیح دهید.

من در رمان‌ها و داستان‌هایی که درباره انقلاب نوشته‌ام، دو نکته را برجسته کرده‌ام؛ یکی بی‌عدالتی‌هایی که در زمان گذشته وجود داشت. بخش وسیعی از مردم فقیر و تعداد اندکی از حکومتی‌ها ثروتمند بودند. دوم، نداشتن آزادی عمل. آن وقت‌ها هر حرفی درباره خواسته‌ها و انتظارات و هر انتقادی از حکومت با تشکیلاتی به اسم ساواک مواجه می‌شد. زندان ساواک



یادم می‌آید مردم زیادی از جمله پدر خودم فقیر بودند و به اجبار روی زمین‌ها کار می‌کردند تا پول کمی به دست بیاورند. ما فقیر و ستم و بی‌عدالتی را قبل تر از سال ۵۷، درک و حس می‌کردیم

الان در تهران به اسم موزه عبرت وجود دارد، با همان ساختمان و همان ابزار آلات شکنجه. من در رمان «روایتی ساده از ماجرای پیچیده» که سال گذشته چاپ شد، از این چیزها حرف زده‌ام.

از روزهای انقلاب چه چیزی یادتان مانده است؟

من آن زمان، ۲۰ ساله بودم. حکومت و جامعه را خیلی خوب درک می‌کردم و چیزهای زیادی یادم مانده است اما ترجیح می‌دهم از کمی قبل‌تر صحبت کنم. من اصالتاً گرگانی هستم و سال‌های پیش از انقلاب در ترکمن صحرا زندگی می‌کردم. چیزی که از دوران نوجوانی‌ام یادم مانده، شیوه اداره زمین‌های کشاورزی است. بیشتر زمین‌های آن منطقه، دست فئودال‌ها (زمین‌دارهای بزرگ)، خوانین و نظامیان شاه بود. یادم می‌آید مردم زیادی از جمله پدر خودم فقیر بودند و به اجبار روی زمین‌های شاه یا فئودال‌ها کار می‌کردند تا پول کمی به دست بیاورند. ما فقر و ستم و بی‌عدالتی را قبل تر از سال ۵۷، درک و حس می‌کردیم.

ممکن است چند کتاب معتبر درباره انقلاب به نوجوان‌ها معرفی کنید؟

حافظه‌ام ضعیف شده است و اسم کتاب‌ها در ذهنم نمی‌ماند اما می‌توانم چند نویسنده خیلی خوب معرفی کنم. آقایان «یوسف قوچی»، «رضار هگدر»، «امیرحسین فردی» و «حسین فتاحی» که البته همه‌شان هم

تابلویی از برگ‌های درخشان

عید نوروز نزدیک است و حتماً شما هم به فکر یک اتاق تکانی اساسی افتاده‌اید. اگر به دنبال تزئین جدیدی برای اتاق‌تان هستید، آموزش ساخت تابلوی دکوراتیو با برگ‌های درختان یک ایده جذاب به شما می‌دهد. برای ساخت این تابلو به یک قاب، تعدادی برگ درخت و مقداری آب و جوش شیرین نیاز دارید. برگ‌های سبز را داخل محلول جوش شیرین و آب قرار دهید تا کلروفیل‌شان حذف شود، سپس آن‌ها را روی یک مقوا به رنگ دلخواه‌تان بچسبانید و قاب بگیرید.



درس‌هایی که باید از فوتبال بیاموزیم

ایده و اجرا: محمدپور - مرادی

